

حاضر جوابی او. مشکل دیگر «یارو پلنگ» است که خواننده نمی‌داند چگونه بخواندش پیش از این اشاره کردیم که یارو در اشاره به آدم به کار می‌رود و فقط برای آدم. چه اشکالی داشت اگر می‌نوشتند: همون پلنگه؟
ص ۲۱۱- او دم نگرفت. گاهی نشده بود که دم بگیرد و امروز صبح هم شاید با روزهای دیگر فرق نداشت.
اصل جمله چنین است:

He did not sing with them. He rarely ever did.

مشکل بر سر گاهی نشده بود است که در فارسی معنایی ندارد. آیا بهتر نبود اگر می‌نوشتند: کمتر می‌شد با آنها آواز بخواند.
یا هیچ وقت نشده بود با آنها آواز بخواند.

ص ۲۰۹- به جهنم از این سگ.

- در فارسی معنایی ندارد. در فارسی می‌گویم مرده شوی این سگ را ببرد.

ص ۲۱۱- غیر از یارو تازی نوخط.

- به مشکل یارو پیش از این اشاره کردیم. دیگر این که نوخط را برای نوجوانانی به کار می‌برند که پشت لبشان تازه سبز شده. نمی‌دانم چرا این صفت را برای تازی جوان پسندیده‌اند.

به چند نکته دیگر نیز به گونه‌ای گذرا اشاره می‌کنیم: میراث گزار به جای میراث گذار، شلیته بگیر (۱۳۵) به جای شتل بگیر، به جا آوردن قطب نما (۱۹۹) به جای خواندن یا تشخیص دادن قطب نما، استفاده از دستار برای زن بجای روسری یا سرپند، آوردن صفت شیک (fine) برای مزرعه (ص ۶۵) استفاده بیش از حد و نابجا از عباراتی چون هنوز که هنوز بود و تو بگو. و تقل ...

بررسی این ترجمه را همین جا به پایان می‌بریم. بیشتر مواردی که یاد کردیم مربوط به دو داستان اول، «بود» و «آتش و اجاق» بود. اما به چند مورد از داستانهای بعدی نیز اشاره‌ای کردیم. با توجه به اهمیت این کتاب امیدواریم مترجم محترم با نگاهی دوباره به ترجمه خود، نشرهای بعدی این کتاب را به گونه‌ای شایسته‌تر به دست خوانندگان فارسی زبان برسانند.

عبدالله کوثری

در اخلاق کتاب‌نویسی

● آیین ترجمه

● نوشته حسین هژیرنژاد

● انتشارات دو نور، پائیز ۱۳۷۲

اگر از کاری بتوان پول درآورد، از تحقیق کردن و بحث کردن درباره آن کار هم باید بتوان پول درآورد. این قانون مبنای بسیاری از فعالیتهای علمی و تحقیقاتی است. بنابراین قانون، اگر کسی می‌خواهد درباره کاری دانش یا مهارت کسب کند، بابت آن پول می‌پردازد، یعنی یا در کلاسهای خصوصی شرکت می‌کند، یا کتابهای بخصوصی را می‌خرد و یا مشترک مجله بخصوصی می‌شود. این کار فی نفسه اشکالی ندارد. اشکال وقتی به وجود می‌آید که کسی که واسطه علم یا مهارتی می‌شود ادعای خلاف می‌کند، یعنی می‌گوید که در کاری سررشته دارد اما فی الواقع ندارد و بدین ترتیب جمعی را گمراه و وقت و پولشان را تلف می‌کند.

امروزه ترجمه، چه در غرب چه در ایران، علاقه‌مندان بسیار دارد. کسانی هستند که ترجمه را مهارتی اسرار-آمیز می‌بینند و با علاقه پای صحبت مترجمان می‌نشینند و هر کتاب یا مجله‌ای را که مدعی است راه و رسم ترجمه را نشان می‌دهد می‌خرند و می‌خوانند. در ایران از دیر باز کتب متعددی درباره ترجمه و با هدف و ادعای آموزش ترجمه به مبتدیان نشر شده است. این کتابها را غالباً کسانی نوشته‌اند که خود دستی در کار ترجمه حرفه‌ای داشته‌اند و از این طریق می‌خواسته‌اند تجارب خود را به دیگران منتقل کنند. این کتابها از نظر آموزشی یعنی این که تا چه حد در آموزش ترجمه، یا جنبه‌هایی از آن موفق هستند، بایکدیگر متفاوتند. برخی ادعاهای بزرگ دارند برخی ادعاهای کوچکتر و البته به نسبتی که ادعاهای کوچکتر است توفیق کتاب بیشتر است. به طور کلی در نوشتن کتابهای آموزش ترجمه دو مشکل وجود دارد. اولاً نویسنده، باید علاوه بر تجربه در کار علمی ترجمه، زمینه زبان شناسی نیز داشته باشد تا بتواند از دیدگاه آموزشی به مسائل بپردازد. ثانیاً ترجمه بر خلاف بسیاری از مهارتها مثل مهارت استفاده از کامپیوتر دو جنبه آموختنی و غیر آموختنی دارد و جنبه آموختنی آن هم آنقدر دقیق و ظریف دارد که دسته بندی و تنظیم آنها مستلزم دقت بسیار است، چرا که در کتب آموزشی، زبان کتاب و نحوه ارائه مطالب باید آموزشی باشد.

کتاب آیین ترجمه، چنان که از عنوان آن بر می‌آید، با هدف آموزش آیین یا راه و رسم ترجمه نوشته شده، اما کتاب در واقع جُنگی از مطالب گوناگون درباره ترجمه است. این کتاب ۷۸۰ صفحه دارد، صفحاتی که با دست و دلبازی تمام طراحی شده. ولی وقتی کتاب را باز می‌کنی و می‌خوانی می‌فهمی که حجیم بودن کتاب حُسنی برای آن نیست. کتاب هفت فصل به شرح زیر دارد: کلیات ترجمه، مراحل ترجمه، فن ترجمه، قواعد ترجمه، روش ترجمه، روند ترجمه و پیوستها. به نظر می‌رسد که نویسنده مطالب مختلفی گرد آورده و بعد بی هیچ ضابطه آنها را در فصلهای مختلف با عنوانهای کم و بیش مترادف (قواعد، فن، روش) گنجانده است. به این دلیل عنوان هر فصل هیچ ارتباطی با موضوعات مورد بحث در آن فصل ندارد. مثلاً در فصل روند ترجمه، نویسنده بدون آنکه روند را تعریف کند، نمونه ۱۴ نوع متن مختلف (متن مذهبی، متن پزشکی، متن حقوقی و غیره) را که از جاهای مختلف برداشته نقل می‌کند و باز در همین فصل شرح حال مختصری از برخی از مترجمان نامی ایران می‌آورد و در پایان هم سوگند مترجم (کدام سوگند نامه؟) را نقل می‌کند. در فصل دوم مؤلف ضمن رد تعاریف کنفورد و ناید از ترجمه، نظریه و تعریف جدیدی از ترجمه به دست می‌دهد. به نظر مؤلف، ترجمه یعنی "برگردان یک واژه، مطلب، متن، مفهوم، و یا اندیشه از زبانی به شکل زبان دیگر، به نحوی که حداکثر اصالت و حفاظت محتوای آن موضوع رعایت شود و در عین حال برای خواننده‌ای که به زبان او برگردانده شده، به بهترین شکل ممکن قابل درک، فهم و بهره‌برداری باشد". در حقیقت ترجمه عبارت است از انتقال پیام از زبان مبدأ به "شکل زبان مقصد" (ص ۳۱) و پیام "شامل معنی، منظور، مفهوم، سخن، گفتار و متفرعات دیگر زبان مبدأ می‌باشد." (ص ۳۲) این تعریف در واقع، جمع دو تعریف کنفورد و ناید است: "جایگزینی متن زبان مبدأ با متن معادل در زبان مقصد" (کنفورد) و "باز آفرینی نزدیکترین معادل طبیعی پیام متن مبدأ در زبان مقصد" (ناید). نقد آرای زبان‌شناختی و ابداع نظریه زبان شناسی (اگر بپذیریم که هر نظریه ترجمه بر یک نظریه زبانی استوار است) بدون آشنایی با مباحث و اصطلاحات زبان شناسی باعث می‌شود که بحث فاقد دقت لازم باشد و زبانی کلی و تناقض‌آمیز پیدا کند. بنابر تعریف نویسنده، "پیام" عبارت است از هم جسم کلام، یعنی واقعیت فیزیکی کلمه، هم معنی که از کلمه بر می‌آید، و هم مقصود نویسنده که لزوماً از معنی عبارت بر نمی‌آید و هم چیزهایی دیگر! و بالاخره نظریه نویسنده از دو دسته اصول نظری (اصل امانت، اصل دقت و نکته‌سنجی، اصل وفاداری، اصل صداقت) و اصول علمی (اصل سازشهای واژه‌ای و دستوری، اصل انتخاب نزدیکترین معادل، اصل برتری معنی، اصل ماهیت

سبک) تشکیل شده است. نویسنده سه اصل امانت (یعنی امانت‌داری) وفاداری و صداقت را همچون سه اصل متفاوت ذکر می‌کند و در هر مورد نیز مثالهایی می‌آورد ولی تفاوت این سه اصل نه در لفظ نه در معنی بر بنده روشن نشد. در مورد اصول علمی، مقصود نویسنده از اصل سازش‌های (های زاید است) واژه‌ای و دستوری، انطباق (adjustment) واژه‌ها و ساختارهای متن با واژه‌ها و ساختارهای نظیر در زبان مقصد است. این اصل مستلزم تغییراتی در واژگان و ساختارهای متن اصلی است. در بخش اصل برتری معنی نویسنده انواع معنی را بحث می‌کند بی آنکه بگوید معنی بر چه چیزی برتری دارد. (احتمالاً منظور نویسنده اصل رعایت انواع معنی بوده است.) بی دقتی در انتخاب عنوان در مورد اصل ماهیت سبک نیز دیده می‌شود. باز در اینجا مقصود نویسنده رعایت سبک متن اصلی است. در فصل چهارم، قواعد ترجمه، نویسنده از چندین موضوع مختلف بحث می‌کند بی آنکه هیچ اشاره‌ای به قواعد ترجمه (که با عنوان انگلیسی Translation method در ابتدای فصل آمده) بکند. و بالاخره در فصل پنجم، روش ترجمه، مترجم این نکات را مطرح می‌کند: موضوعات قابل توجه در ترجمه (جمله بندی، سجاوندی) نکات مهم در ترجمه (وام‌گیری، گرت‌برداری)، آماده کردن ترجمه (معادل‌یابی، ویرایش)، نحوه ترجمه، (بهره‌گیری از صنایع بدیع، تنش‌های قابل توجه در ترجمه)، ساختار ترجمه (ارزیابی مترجم، ارزیابی ترجمه).

نویسنده در روی جلد کتاب خود را با این عناوین می‌شناساند: استاد دانشکده زبان، مترجم رسمی دادگستری، مدرس دانشگاه‌های تهران، عضو هیأت علمی دانشگاه، از این چهار عنوان سه عنوان به دانشگاه مربوط می‌شود بی آنکه از دانشگاه بخصوصی نام برده بشود. بنده نه اسم "دانشکده زبان" را شنیده‌ام و نه کسی را می‌شناسم که در "دانشگاه‌های تهران" تدریس کند. اگر نویسنده استاد دانشگاه است، انتظار می‌رود که با ابتدایی‌ترین اصول نگارش علمی آشنا باشد. نویسنده در مقدمه کوتاه اذعان دارد که کتاب حاصل جمع آوری و تدوین است، اما مشخص نمی‌کند که هر تکه از کجا آورده شده است. برای مثال نویسنده ۴۰ صفحه از کتاب را که بحث درباره تاریخ ترجمه در ایران و غرب است از جایی نقل کرده بی آنکه از مأخذ آن ذکر می‌کند. یا متون متعددی را به همراه ترجمه آنها نقل کرده بی آنکه نام مترجم را ذکر کند. نویسنده فقط در پایان کتاب، ۵۱ مأخذ فارسی (اعم از کتاب و مقاله و مجله) و ۳۵ منبع انگلیسی را ذکر می‌کند، آن هم به شیوه غیر معمول. فقط نام کتاب و نام نویسنده را ذکر می‌کند بی آنکه به سایر مشخصات کتاب و صفحات مورد نظر اشاره‌ای بکند. جالب تر آنکه گاه مطالبی را که نویسنده نقل کرده دراصل به انگلیسی بوده و نویسنده بی آنکه به خود زحمت ترجمه بدهد، عین مطلب انگلیسی را آورده و برعکس در برخی موارد بی دلیل بحث را به زبان انگلیسی و یا به هر دو زبان فارسی و انگلیسی نوشته است. (کتاب یک فهرست عناوین هم به انگلیسی دارد.)

به طور کلی اشکال عمده آیین ترجمه این است که این کتاب هم کتابی نظری است (چون دربردارنده نظریه نویسنده درباره ترجمه است) هم اطلاعاتی درباره مترجمان و تاریخ ترجمه می‌دهد و هم نوعی درسامه است (بخش اصلی کتاب در واقع شامل مثالهای متعدد از متن انگلیسی و ترجمه آنها به زبان فارسی است.) نویسنده باید این سه بخش را از یکدیگر جدا کند و در بخش نظری با دقت و جامعیت علمی بحث کند و اساساً در کل کتاب روش درست تحقیقی به کار برد و بین حرف خود و حرف دیگران تفکیک قایل شود. آیین ترجمه از دیدگاه تحقیقی و نگارشی کتاب بد ضعیفی است ولی برای مترجم مبتدی خالی از فایده نیست چون دست کم کتاب مجموعه‌ای از متون مختلف انگلیسی و ترجمه فارسی آنهاست.